

Research Paper

Economic approach to crime and distribution of various types of crime costs

somayeh fili ¹, Mohammad Taghi Karimpour Al Hashem ² 

1-Phd student in Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran.
2- Assistant Professor, Department of Law, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran.

Receive:

22 July 2024

Revise:

26 August 2024

Accept:

31 August 2024

Published online:

21 September 2024




Abstract

Delinquency as a social phenomenon has many effects. One of these effects is the cost of crime. This issue, which is under the economic analysis of crime, constitutes one of the important dimensions of criminal policy. The criminal spends money to commit the crime and expects to get a profit in return. Also, he may incur costs after committing a crime. The victim suffers heavy and various costs as a result of the crime. Society and potential victims must also pay a price. In addition to these cases, the criminal justice system allocates significant financial resources to prosecute and respond to the perpetrators and before that to criminalize them. The question that arises is what is meant by the evaluation of crime costs and what are the effects of analyzing these costs? Evaluating and estimating the costs of crime provides the possibility of examining the usefulness and desirability of policies related to crime and punishment, and in line with the formulation of preventive measures, programs of the criminal justice system, and the design of appropriate models and methods in order to reduce the costs of crime. It helps the policy makers. In this analysis, the criminal is a reasonable and calculating person who made a choice based on the economic model and commits criminal behavior if he estimates the benefits of the crime as more favorable compared to other activities. The price of delinquency includes not only the costs that are imposed on the victim, the society and the criminal justice system after the crime has occurred; Rather, it includes the costs that the perpetrator spends in order to commit a crime, escape, and also the lost opportunity, and in addition, it also includes the costs that society members and relevant institutions allocate in order to prevent crime. The research method is descriptive analysis.

Keywords:

cost of crime,
economic analysis of
crime,
victimized costs,
criminal costs,
criminal justice system,
strategies to reduce crime
costs.


Please cite this article as (APA): fili,S, Karimpour Al Hashem, M. (2024). Economic approach to crime and distribution of various types of crime costs. *Journal of Business law and economics*, (1) 1, 117-136.

Sponsored by: Institute of Somamos Publications	https://doi.org/10.22034/jble.2024.208262	
Corresponding Author: Mohammad Taghi Karimpour Al Hashem	https://orcid.org/0009-0009-0389-5851	
Email: m.karimpour@iauc.ac.ir	This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License .	



مقاله پژوهشی

رویکرد اقتصادی به جرم و توزیع انواع هزینه های جرم




سمیه فیلی^۱، محمدتقی کریم پور آل هاشم^۲ 

۱- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

۲- استادیار گروه حقوق، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

چکیده	تاریخ دریافت:	
<p>بزهکاری به عنوان یک پدیده ی اجتماعی، آثار بسیاری را به دنبال دارد. یکی از این آثار، هزینه هایی است که از جرم ناشی می شود. این موضوع که ذیل تحلیل اقتصادی از جرم قرار می گیرد، یکی از ابعاد مهم سیاست گذاری جنایی را تشکیل می دهد. بزه کار برای ارتکاب جرم، هزینه هایی را صرف می کند و در مقابل، کسب سودی را انتظار دارد. هم چنین، او پس از ارتکاب بزه نیز ممکن است متحمل هزینه هایی شود. بزه دیده، در اثر وقوع جرم متحمل هزینه هایی سنگین و گوناگون می شود. جامعه و بزه دیدگان بالقوه نیز باید بهایی را بپردازد. افزون بر این موارد، نظام عدالت کیفری برای تعقیب و پاسخ دهی به مرتکبین و پیش تر از آن برای جرم انگاری، منابع مالی قابل توجهی را اختصاص می دهد. سوالی که مطرح می شود منظور از ارزیابی هزینه های جرم چیست و تحلیل این هزینه ها چه آثاری دارد؟ ارزیابی و برآورد هزینه های جرم، امکان بررسی میزان سودمندی و مطلوبیت سیاست های مربوط به جرم و مجازات را فراهم آورده و در راستای تدوین اقدامات پیشگیرانه، برنامه های نظام عدالت کیفری و طراحی مدل ها و روش های مناسب در راستای کاهش هزینه های بزه کاری، به سیاست گذاران کمک شایانی می نماید. در این تحلیل، بزهکار فردی است معقول و حساب گر که بر مبنای الگوی اقتصادی دست به انتخاب زده و در صورتی مرتکب رفتار مجرمانه می شود که منافع حاصل از بزه را در مقایسه با اقدام به فعالیت دیگر، مطلوب تر تخمین بزند. بهای بزهکاری نه تنها شامل هزینه هایی است که پس از وقوع جرم بر بزه دیده، جامعه و نظام عدالت کیفری تحمیل می گردد؛ بلکه هزینه هایی را که مرتکب به منظور ارتکاب جرم، فرار و هم چنین فرصت از دست رفته، صرف می کند و افزون بر این، هزینه هایی که افراد جامعه و نهاد های ذیربط در راستای پیشگیری از بزهکاری اختصاص می دهند را نیز در بر می گیرد. روش تحقیق تحلیلی توصیفی می باشد.</p>	<p>۱۴۰۳/۰۵/۰۱</p> <p>تاریخ بازنگری:</p> <p>۱۴۰۳/۰۶/۰۵</p> <p>تاریخ پذیرش:</p> <p>۱۴۰۳/۰۶/۱۰</p> <p>تاریخ انتشار آنلاین:</p> <p>۱۴۰۳/۰۶/۳۱</p>	
	<p>کلید واژه ها:</p> <p>هزینه های جرم، تحلیل اقتصادی از جرم، هزینه های بزه دیده، هزینه های بزهکار، نظام عدالت کیفری، راهکارهای کاهش هزینه های جرم</p>	

لطفاً به این مقاله استناد کنید (APA): فیلی، سمیه؛ کریم پور آل هاشم، محمدتقی: رویکرد اقتصادی به جرم و توزیع انواع هزینه های جرم، دانشنامه حقوق کسب و کار و اقتصاد، (۱) ۱۱۷-۱۳۶.

	https://doi.org/10.22034/jble.2024.208262	تحت حمایت: موسسه انتشاراتی سماوس
	https://orcid.org/0009-0009-0389-5851	نویسنده مسئول: محمدتقی کریم پور آل هاشم
	این مقاله تحت شرایط قابل باز نشر است. https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa	ایمیل: m.karimpoor@iauc.ac.ir



مقدمه

یکی از مهم ترین آثار بزهکاری، هزینه های ناشی از آن می باشد. با پیدایش و گسترش روش های کمی در علم اقتصاد، بحث از محاسبه هزینه های جرم مطرح گردید. ارزیابی هزینه ی جرم شاخه ای نوظهور و حائز اهمیت در تحلیل اقتصادی جرم می باشد که فهم پیامد های متنوع جرم را آسان کرده و امکان تدوین برنامه های مطلوب تری را برای مدیریت این پدیده اجتماعی فراهم می آورد. محاسبه و برآورد مالی بسیاری از پیامدهای ناشی از جرم ممکن است، اما ارزیابی و قابلیت محاسبه ی مالی بسیاری دیگر از آثار ناشی از جرم مشکل و گاه، بحث برانگیز می باشد. در واقع عده ای بر این عقیده اند که عددی برای نشان دادن طبیعت بسیار بد رفتارهای خشونت آمیزی مانند قتل وجود ندارد و نمی توان میزان ناامیدی، رنج و عذاب ناشی از وقوع جرم را محاسبه نمود. اما، نباید از نظر دور داشت که هزینه های جرم موضوعی فراتر از چنین پیامدهایی است که پژوهش پیش رو در صدد معرفی و تبیین آن می باشد.

از منظر تحلیل اقتصادی، همان طور که در بازار برای هر کالا و خدمت مادی، قیمت، عرضه و تقاضایی وجود دارد، برای فعالیت ها و رفتار های غیر بازاری، مثل بزهکاری نیز می توان نوعی بازار، قیمتی فرضی و عرضه و تقاضا را تصور نمود. مسلماً پدیده های حقوقی دارای جنبه ی اقتصادی هستند؛ جرم نیز در زمره ی فعالیت ها و رفتار هایی است که از این جنبه قابل بررسی می باشد. جرم به عنوان یک پدیده ی اجتماعی، آثار بسیاری به دنبال دارد. یکی از این آثار، هزینه هایی است که از جرم به بار می آید. این موضوع، ذیل بحث گسترده ی تحلیل اقتصادی از جرم قرار دارد. در یک تعریف ساده، هزینه یا بهای جرم، عبارت است از آثار مالی که ارتکاب جرم بر مرتکبان، بزه دیدگان و جامعه تحمیل می کند و منابع مالی که جامعه و افراد برای کنترل، مدیریت و پیشگیری از آن تخصیص می دهند. بزهکار برای ارتکاب جرم هزینه هایی را صرف می نماید و در مقابل، کسب سودی را انتظار دارد. بزه دیده در اثر وقوع این جرم، متحمل هزینه های گوناگونی می شود. جامعه و بزه دیدگان بالقوه نیز باید بهایی را بپردازند. علاوه بر این، دستگاه عدالت کیفری برای تعقیب، دادرسی و مجازات مرتکبین، منابع مالی بسیاری اختصاص می دهد و بدین سان، تخمین این هزینه ها معیاری را به دست می دهد که توجه به آن، فهم آثار جرم را تسهیل می نماید.

۲- جرم در نگاه اقتصادی

حقوق و اقتصاد، همان طور که پیش تر اشاره گردید، رشته ای است که قواعد حقوقی را در معرض تحلیل هزینه- فایده قرار می دهد تا کارایی اقتصادی آن ها را مشخص سازد. در این میان تحلیل اقتصادی حقوق کیفری، مقوله ای است که در آن، همه ی انسان ها منطقی و معقول فرض می شوند و عرصه ی زندگی در آن به بازاری شبیه است که کنش و واکنش، به سود و زیان بازار بستگی دارد. (ابراهیمی، ۱۳۹۳، ۲۸) بر این اساس، مجرم، فردی است معقول و منطقی، همانند سایر انسان ها، که بر مبنای الگوی اقتصادی دست به انتخاب می زند و در صورتی مرتکب فعل مجرمانه می شود، که منافع حاصل از آن بیش تر از منافی باشد که از سایر فعالیت ها به دست می آورد. این گفتار ضمن تشریح نظریه ی اقتصادی جرم، به ارتباط این موضوع با بحث پژوهش پیش رو؛ یعنی مسأله ی هزینه ی جرم، می پردازد.



۲-۱- نظریه ی اقتصادی جرم

به طور کلی، دو روش وجود دارد که از طریق آن ها نظریه ی اقتصادی وارد قلمرو تجزیه و تحلیل جرم و مجازات شده است. نخستین روش مربوط به تصمیم فردی برای ارتکاب جرم است و دومی عبارت است از طراحی سیاست جنایی مواجهه با جرم. به بیان دیگر، مشخص کردن سطوح مجازات و تخصیص منابع به تشکیلات پلیس و دادگستری. هم چنین، در نگرش اقتصادی به جرم، عملی باید جرم محسوب شود که جرم انگاری آن عمل، از لحاظ اقتصادی کارآ باشد و رفاه اجتماعی را افزایش دهد و هدف حقوق جزا کاهش هزینه های اجتماعی جرم (هزینه های ناشی از جرم و هزینه های پیشگیری از آن) است. پژوهش حاضر، علاوه بر پرداختن به این رویکرد که فرد به عنوان موجودی تصمیم گیر، با بررسی پیامدهای احتمالی رفتار خود، دست به انتخاب و ارتکاب جرم می زند؛ (ابرندآبادی، ۱۳۸۳، ۱۴۲) جرم را به عنوان کالا یا خدمتی فرض نموده و با ابزار اقتصادی عرضه و تقاضا، آن را تحلیل و پیامدهای ناشی از آن را ارزیابی می نماید.

اقتصاد، علم تخصیص بهینه ی منابع کمیاب است. برای انواع مختلف کالا و خدمات در بازار، عرضه و تقاضا وجود دارد که قیمت آن ها را مشخصی می نماید. در این میان، کالا و خدماتی هستند که بازار رسمی برای آن ها وجود ندارد و به طریقه های معمولی، مورد تجارت واقع نمی شوند؛ برای نمونه می توان از خشونت، جرم، آلودگی، خدمات دولتی و غیره به عنوان چنین کالا و خدمات غیر بازاری یاد نمود.

۲-۱-۲- عرضه ی جرم

با وجود این که افراد، حق بزه دیدگی خود را مورد خرید و فروش قرار نمی دهند، اما به طور حتم، بازاری وجود دارد که بر احتمال بزه دیدگی افراد تأثیر می گذارد. مجرم، دست به انتخاب زده و مرتکب جرم می شود؛ این ارتکاب جرم را می توان به معنی عرضه در علم اقتصاد تشبیه نمود و بیان داشت همان طور که در بازار های تجارتي، اگر قیمت و سود کالا یا خدمتی افزایش یابد، مؤسسات و شرکت های بازرگانی بیش تری دست به عرضه ی کالا یا خدمت مربوطه خواهند زد، در مورد جرم نیز چنین اتفاقی می افتد. زیرا، اگر هزینه ی مورد انتظار از ارتکاب یک جرم، (مثل احتمال دستگیر شدن، به زندان افتادن و یا شدید بودن مجازات مورد انتظار) افزایش یابد، پیش بینی می شود که نرخ ارتکاب جرم نیز کاهش یابد و بالعکس، اگر مرتکب بالقوه ی جرم به این نتیجه برسد که در مقایسه با ارزیابی احتمال مجازات شدن، فایده ی بیش تری از ارتکاب جرم تحصیل خواهد کرد، احتمال بزهکاری افزایش خواهد یافت. بنابراین، نظریه ی اقتصادی جرم بر این ادعا استوار است که مرتکب بالقوه ی جرم، هزینه های احتمالی ارتکاب جرم، (احتمال دستگیری و احتمال مجازات متعاقب آن) و منافع و خدمات احتمالی که از رفتار مجرمانه اش انتظار دارد را سنجیده و پس از این تحلیل هزینه و فایده تصمیم می گیرد. هم چنین ممکن است برخی بزهکاران بالقوه که قصد ارتکاب جرمی را کرده اند، اقدامات هزینه داری را به منظور کاهش احتمال مجازات شدن خود، به کار بندند. آن ها ممکن است به این منظور برای ارتکاب بزه خود، از شریک با معاون یاری جویند و یا از تجهیزات و وسایل پیشرفته تری برای ارتکاب رفتار مجرمانه ی خود بهره گیرند. علاوه بر این، اگر هزینه ی فرصت برای ارتکاب جرم افزایش یابد، احتمال این می رود که مرتکبان بالقوه ی بیشتری از ارتکاب جرم منصرف شوند. به همین سبب است که وقتی وضعیت شغل و استخدام قانونی در جامعه، مطلوب و خوب باشد، عرضه ی جرم کاهش خواهد یافت و در مقابل، اگر نرخ بیکاری بالا باشد، عرضه ی جرم نیز افزایش خواهد یافت (زبانسکی، ۱۳۹۲، ۱۵۴).



۱-۲-۱-۲- تقاضای جرم

آیا تقاضای جرم با احتمال بزه دیدگی را نیز می توان با منحنی تقاضا در اقتصاد تحلیل نمود؟ علی رغم آن که بزه دیدگان بالقوه، واقعا جرم را تقاضا نمی کنند اما چیزی شبیه به تقاضا را می توان برای احتمال بزه دیدگی در نظر گرفت. بزه دیدگان بالقوه، منابع مالی قابل توجهی را به منظور کاهش شانس بزه دیدگی خود صرف می کنند. آن ها با اقدامات پر هزینه ای مثل نصب دزدگیر بر اتومبیل خود، استفاده از وسیله ی نقلیه به جای پیاده روی در محل هایی که احتمال خطر بزه دیدگی وجود دارد، خرید سلاح به منظور دفاع از خود در برابر جرم، شرکت در کلاس های آموزش دفاع شخصی، نصب دوربین های مدار بسته، نصب نرده های محافظ بر دیوار و غیره، سعی در کاهش احتمال بزه دیده شدن خود می کنند و بدین طریق، جرائم کم تری را تقاضا می کنند. (شمعی، ۱۳۹۲، ۵۹)

علاوه بر این موارد، عوامل دیگری نیز بر عرضه و تقاضای جرم تأثیر می گذارند. یک بخش بزرگ از بازار جرم، توسط دولت و از طریق بخش عمومی کنترل می گردد؛ بنابراین، بخش عمومی با اتخاذ سیاست ها و تصمیمات خود، تأثیر ویژه ای بر منحنی عرضه و تقاضای جرم می گذارد.

۱-۲-۱-۲- جایگاه تحلیل اقتصادی جرم در موضوع هزینه ی جرم

از منظر اقتصاددانان، جرم یک فعالیت مهم اقتصادی و بلکه فراتر از آن، یک صنعت است که پیامدهای اقتصادی ناشی از آن، باید مورد مطالعه قرار گیرد. (اکبری، ۱۳۸۱، ۲۴) اقتصاد جرم تلاش می کند تا نتایج ناگواری را که ارتکاب جرم به افراد و جامعه تحمیل می کند، بررسی کند. بسیاری از پیامدهای جرائم، سنجش ناپذیر هستند؛ اما اگر برآورد هزینه های جرائم به درستی صورت گیرد، ارزیابی افراد از هزینه های جرم ملموس تر شده و تعیین یک سیاست اجتماعی هماهنگ تر در این ارتباط، امکان پذیر می گردد؛ به عبارت دیگر، یکی از ابعاد مهم تحلیل اقتصادی از جرم، مسأله ی هزینه ی جرم است. جرم به عنوان یک پدیده ی اجتماعی، آثار بسیاری را به دنبال دارد. یکی از این آثار که مربوط به تحلیل اقتصادی بزهکاری است، بار اقتصادی ناشی از ارتکاب بزه و موضوع هزینه ی جرم می باشد. جرم رفتاری است که همه ساله هزینه های سرسام آور را بر جامعه و افراد تحمیل می نماید؛ بنابراین تخمین و برآورد این هزینه ها به وسیله ی ابزار اقتصادی، معیاری به دست می دهد که فهم آثار جرم را تسهیل می نماید.

۱-۲-۳- توزیع انواع هزینه های جرم

هزینه های بزهکاری میان اشخاصی که درگیر فرآیند جرم هستند، توزیع می شود. بیش ترین هزینه بر قربانی جرم و پس از او، بر خانواده ی او، برخی دیگر از هزینه ها به جامعه و افراد آن، و قسمتی دیگر نیز بر مرتکب جرم و اطرافیان او تحمیل می گردد. بزه دیده شخصی است که در پی ارتکاب جرم، ضرر و زیان مادی و معنوی بسیاری را متحمل شده و از این رو، نیاز به تأمین این ضررها و جبران خسارات وارده دارد. افراد جامعه نیز به سبب ارتکاب جرم، احساس ناامنی کرده و به منظور اجتناب از بزه دیدگی، رفتارهای هزینه بری را پیش می گیرند. افزون بر این، دستگاه عدالت کیفری، به علت ارتکاب جرم، متوجه عدم کارآمدی برنامه های مربوط به سیاست جنایی خود شده و اقدامات و تصمیمات جدیدی را اتخاذ خواهد کرد که هزینه های قابل توجهی دارد. هم



چنین، هزینه های مرتکب جرم را نیز نباید از نظر دور داشت؛ بزهکار برای ارتکاب جرم و بعد از آن، به منظور فرار از کشف جرم و عدم تحمل مجازات، هزینه می کند. علاوه بر این، بزهکار و خانواده ی او، حتی پس از تحمل مجازات و اعاده ی حیثیت مرتکب، متحمل هزینه هایی خواهند شد. (ابراهیمی، ۱۳۸۷، ۵۹)

برای مثال، هزینه های جرم در کانادا در سال ۲۰۰۳ میلادی، حدود ۷۰ میلیارد دلار کانادا تخمین زده شده است. این مبلغ به سه دسته قابل تقسیم بندی است. نخست، هزینه های صرف شده در نظام عدالت کیفری است. این هزینه ها که معادل ۱۳ میلیارد دلار کانادا است، هزینه های اختصاص یافته به پلیس، دادستانی، دادگاه ها و سازمان زندان ها می باشد. دوم، هزینه ی مربوط به امنیت خصوصی نظیر نصب دوربین مدار بسته و قفل های پیشرفته است که معادل ۱۰ میلیارد دلار کانادا برآورد شده است. دسته ی سوم، هزینه های اقتصادی و اجتماعی و سلامتی بزه دیدگان است که معادل ۴۰ میلیارد دلار کانادا تخمین زده شده است. به موجب این ارقام، می توان گفت که بزه دیدگان بیش ترین سهم از هزینه های جرم را متحمل می شوند. (جعفری، ۱۳۹۱، ۶۱)

هم چنین، مطالعه ی همه جانبه ی دیگری که در سال ۲۰۱۰ در کشور های آمریکای لاتین در ارتباط با هزینه های جرم و خشونت صورت پذیرفته است. این گزارش، نه تنها هزینه های مستقیم جرم را که بر بزه دیده تحمیل می گردد، اندازه گیری کرده است، بلکه میزان هزینه ای را که بزه دیدگان بالقوه به منظور جلوگیری از بزه دیدگی پرداخت می کنند نیز تخمین زده است. علاوه بر این، این تحقیق هزینه ی فرصت از دست رفته ی بزهکارانی که به سبب تحمل محکومیت خود در زندان به سر می برند و از فعالیت اجتماعی باز مانده اند را نیز ارزیابی نموده است. مطابق این گزارش، از میان سایر کشور های این منطقه، هندوراس بیش ترین میزان مبلغ یعنی ۷۰۴ میلیون دلار، معادل ۴/۶ درصد تولید ناخالص داخلی، را در نتیجه ی جرم و خشونت از دست می دهد. پس از آن، پاراگوئه معادل ۳/۸ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را به سبب جرم از دست می دهد. هم چنین، اروگوئه، کاستاریا و شیلی به ترتیب ۲/۳ درصد، ۱/۹ درصد و ۱/۸ درصد از درآمد مربوط به تولید ناخالص ملی خود را در نتیجه ی جرم از دست می دهند.

۲-۲- هزینه های بزه دیده

با وجود اثر شدید و مستقیم جرم بر بزه دیده، غالباً، قربانی جرم کم تر مورد مطالعه و بررسی قرار می گرفت و اهمیت او در فرآیند کیفری نادیده انگاشته می شد؛ اما یکی از ویژگی های برجسته ی آموزه ها و نظریه های علوم جنایی در چند دهه ی گذشته، افزایش توجه به جایگاه بزه دیدگان در دادرسی های کیفری بوده است. این نگرش نه تنها به دگرگونی اندیشه ها از رویکردی فلسفی- حقوقی به رهیافتی اجتماعی- جرم شناختی باز می گردد، بلکه با این واقعیت پیوند می خورد که اگر حقوق جنایی به نقش و جایگاه بزه دیدگان توجه نکند، نمی تواند نقش خود را به خوبی ایفاء کند و کارایی لازم را در مبارزه با جرم داشته باشد. از نیمه ی سده ی بیستم به این سو، سیاست جنایی، به منزله ی تلافی آموزه های حقوق کیفری و نظریه های جرم شناختی، با در نظر گرفتن حقوق بزه دیدگان، در کنار حق های متهمان و نمایاندن جنبه های گوناگون حمایت از بزه دیدگان در چارچوب فرآیند دادرسی کیفری، همواره در راستای پیشگیری از جرم سهم داشته است. بزه دیده شناسی نیز بر پایه ی یک رهیافت نوآورانه، که می توان از آن به «بزه دیده شناسی حمایتی» یاد کرد، این هدف را در پیشگیری از بزه دیدگی جست و جو کرده و به منظور حمایت از بزه دیدگان، به خدمت سیاست جنایی در آمده است.



بر پایه ی ملاک های جهانی بزه دیده شناسی حمایتی (حمایت محور)، می توان گفت که بزه دیده شخصی است که به دنبال رخداد جرم، به آسیب بدنی یا روانی، درد و رنج عاطفی- حیثیتی، زیان مالی یا آسیب اساسی به حق های بنیادی خود دچار می شود. (رایجیان اصل، ۱۳۸۱، ۱۱۳) بنابراین، تردیدی نیست که بزه دیده که آماج جرم قرار گرفته است، هزینه های بسیاری را متحمل می گردد.

قربانیان جرایم، آسیب های اساسی مالی، جسمی و روانی را تجربه می کنند و طی چند سده ی گذشته، اقتصاددانان بسیاری تلاش کرده اند تا ارزش پولی برای این آسیب ها و ضررها قرار دهند تا هزینه های وارد بر بزه دیده را اندازه گیری کنند.

۲-۲-۱- دسته بندی هزینه های بزه دیده

در یک نگاه کلی، می توان هزینه های بزه دیده را در دو بخش هزینه های بزه دیدگان بالقوه (قبل از وقوع جرم) و هزینه های بزه دیده، پس از ارتکاب جرم مطالعه نمود؛ اما به نظر می رسد که بررسی هزینه های وارد بر بزه دیده ی بالقوه، در مبحث دوم از این فصل، یعنی هزینه های جامعه و اشخاص ثالث، صحیح تر باشد؛ زیرا که بزه دیده ی بالقوه شخصی است که هنوز آماج جرم قرار نگرفته است و هزینه هایی که می پردازد، به منظور اجتناب از بزه دیدگی می باشد.

به هر ترتیب، هزینه های وارد بر بزه دیده (پس از بزه دیدگی) را می توان به دو دسته ی کلی هزینه های مادی (ملموس، محسوس، عینی) و هزینه های معنوی (نا ملموس، نا محسوس) تقسیم نمود.

۲-۲-۱-۱- هزینه های مادی (ملموس- عینی) وارد بر بزه دیده

پس از وقوع جرم، هزینه های متعددی بر قربانیان جرم وارد می شود. هزینه های درمانی و پزشکی، درآمد از دست از رفته، خسارت های وارد به اموال، تغییر محل زندگی به سبب بزه دیدگی و غیره که با توجه به نوع جرم ارتكابی متفاوت است، از جمله هزینه های مادی وارد بر بزه دیده است. برای مثال، فردی قربانی بزه ضرب و جرح می شود و با توجه به شدت اندک ضربه، آسیب جدی متوجه او نمی شود و متحمل پرداخت هزینه ی درمان نگشته و از فعالیت شغلی خود باز نمی ماند؛ اما در مقابل ممکن است فردی در نتیجه ی جرم ایراد و ضرب و جرح، شدیداً آسیب ببیند و هفته ها را صرف درمان خود در بیمارستان کرده و هم چنین شغل خود را از دست بدهد. بنابراین، با توجه به نوع جرم و شرایط آن و هم چنین ویژگی خاص بزه دیده (برای مثال زن بودن، کودک بودن، معلول بودن، سالمند بودن و ...) هزینه های وارد بر قربانی جرم متفاوت می باشد. (بابایی، ۱۳۸۶، ۵۸)

هزینه های مادی وارد بر بزه دیدگان را می توان به هزینه های مادی مستقیم و هزینه های مادی غیر مستقیم تقسیم نمود.

۲-۲-۱-۱-۱- هزینه های مادی مستقیم وارد بر بزه دیده

هزینه های مستقیم، هزینه هایی هستند که مستقیماً از رفتار بزهکار ناشی شده و بر بزه دیده تحمیل می گردد؛ که مهم ترین این هزینه های مادی به شرح زیر می باشند:



۲-۲-۱-۱-۱-۱- خسارت به اموال، دارایی و درآمد یا از دست دادن آنها

بارزترین هزینه های ناشی از ارتکاب جرم، به ویژه در جرایم علیه اموال و مالکیت مانند سرقت، کلاهبرداری، اختلاس، خیانت در امانت، تصرف غیر قانونی و ...، مربوط به خسارات از دست دادن اموال و دارایی می باشد. این جرایم که با اهداف اقتصادی و کسب سود واقع می شوند، علاوه بر زینانی که از دست دادن مال بر بزه دیده وارد می آورد، هزینه های جانبی را نیز برای بزه دیده به همراه دارد. هزینه های جانبی در مقایسه با خسارت از دست دادن اموال، بیش تر از هزینه و ارزش مادی خود مال ارزیابی شده است؛ زیرا مال از دست رفته می توانست منبعی مهم برای افزایش سطح درآمد فرد و در نتیجه افزایش رفاه او باشد (بابایی، ۱۳۸۶، ۸۹).

به طور کلی، هزینه های مادی ناشی از ضرر به اموال بزه دیده در نتیجه ی جرم، در سه دسته قابل طبقه بندی است. اول؛ هزینه های مستقیم ناشی از ربوده شدن اموال یا وجوه بزه دیده قرار دارد. این دسته از هزینه ها به آسانی قابل اندازه گیری است؛ زیرا ارزش این اموال در زمان وقوع جرم کاملاً مشخص و قابل اندازه گیری می باشد. دوم؛ هزینه های مربوط به تعمیر و بازسازی اموالی است که طی فرآیند ارتکاب جرم تخریب یا ناقص شده اند. این دسته از هزینه ها نیز نسبتاً مشخص و قابل برآورد هستند. دسته ی سوم؛ ضرری است که به درآمد و سودآوری بزه دیده وارد می آید. قربانی جرم در نتیجه ی جرمی که بر او واقع شده است، ممکن است نتواند مانند سابق به فعالیت شغلی خود ادامه داده و به همین سبب از میزان فعالیت او در عرصه ی تولید و سودآوری کاسته شده و در نهایت درآمد او نیز کاهش می یابد. افزون بر این، بزه دیده به منظور احقاق حق خود در فرآیند دادرسی کیفری نیز هزینه های بسیاری را متحمل می شود و این مورد را نیز می توان در دسته ی اخیر جای داد.

خسارات وارد به اموال بزه دیده ممکن است نسبتاً یا کاملاً توسط مراکز بیمه و با خدمات تأمینی دولتی جبران گردند؛ بنابراین در این حالت، این هزینه ها که ابتدا مستقیماً بر بزه دیده تحمیل شده است، پس از چندی بر جامعه تحمیل خواهد شد.

۲-۲-۱-۱-۱-۲- هزینه های پزشکی و درمانی

هزینه های پزشکی جرایم را می توان به دو دسته ی هزینه های پزشکی که بلافاصله پس از وقوع جرم به بزه دیده تحمیل می شود و هزینه هایی که برای کسب سلامت روانی او لازم است، تقسیم نمود. پس از وقوع جرم، آسیب ها و صدماتی به بزه دیدگان وارد می شود که نیازمند خدمات پزشکی و درمانی فوری می باشد. این هزینه ها، غالباً برای یک دوره ی زمانی معین بعد از ارتکاب جرم ضرورت پیدا می کند، مانند هزینه های بستری شدن در بیمارستان، هزینه های عمل جراحی، هزینه های دارو و غیره، بسیاری از این هزینه ها معمولاً از طریق مراکز بیمه قابل جبران هستند؛ البته مشروط بر این که همه ی مردم دسترسی به خدمات بیمه ای داشته باشند و صدمه ی وارده از جمله صدمات تحت پوشش بیمه باشد. افزون بر هزینه های درمانی، هزینه های سلامت روانی که بزه دیده برای بازگشت به وضعیت روانی سابق لازم دارد نیز باید مورد توجه قرار گیرد. برخی از جرایم، آثار روانی ناگواری بر افراد می گذارند و حتی اثرات بسیاری از آن ها، سال ها بر روح و روان افراد باقی می ماند. به همین سبب، بزه دیدگان ناچارند برای بازگشت به حالت سابق، هزینه هایی برای مشاوره های روانی، داروهای آرام بخش و حتی دوری از محل وقوع جرم صرف کنند (البته دوری گزیدن از محل وقوع جرم را می توان به هزینه های غیر مستقیم نزدیک دانست).



۲-۲-۱-۱-۲-۲- هزینه های مادی غیرمستقیم وارد بر بزه دیده

قربانیان جرم، در نتیجه ی بزه دیدگی، ممکن است رفتار روزمره ی خود را تغییر دهند. پیامد های غیر مستقیم بزه دیدگی، بسیار زیاد و اندازه گیری دقیق آن ها بسیار دشوار و گاه غیر ممکن می باشد. برای نمونه، تحقیقی که در سال ۱۹۸۵ توسط «بورت»^۱ و «کاتز»^۲ در کشور آمریکا صورت گرفت، نشان داد، زنان بزه دیده، پس از گذشت چند هفته، متعاقب تجاوز جنسی که نسبت به آن ها ارتکاب یافته بود، تغییرات پر هزینه ای را در سبک زندگی خود ایجاد کرده بودند. این تغییرات شامل تغییر محل زندگی و نقل مکان به محل بهتر، تهیه ی تجهیزات تأمین کننده ی امنیت و یا هم چنین تغییر شغل خود و جلوگیری از ورود به محل های کاری که در آن ها احساس خطر می کنند، بود.

پژوهش دیگری نیز در سال ۱۹۹۹ توسط «دوگان»^۳ صورت پذیرفت که احتمال تغییر محل زندگی افراد پس از بزه دیدگی را تخمین می زند. این تحقیق مقرر می دارد که در حالت عادی (غیر از بزه دیدگی)، ۵/۴ درصد از خانواده هایی که در یک محل زندگی می کنند، تصمیم به نقل مکان و تغییر محل زندگی می گیرند، اما این نرخ، در مورد خانوارهایی که بزه دیده ی جرایم علیه اموال شده اند، به ۶/۵ درصد افزایش می یابد. «دوگان» در می یابد که در مقایسه با جرایم علیه اموال، قربانیان جرایم خشونت بار جسمی، تمایل چندانی به تغییر محل زندگی ندارند. افزون بر این، او به این نتیجه می رسد که اغلب، میان زمان وقوع جرم (بزه دیدگی) و نقل مکان بزه دیده، تأخیر و فاصله زمانی وجود دارد و به همین سبب، بزه دیدگان ممکن است قبل از تغییر محل زندگی خود، با احساس عدم امنیت و ترس از جرمی که در آن ها تشدید یافته، وسایل و تجهیزات احتیاطی بیش تری را برای جلوگیری از بزه دیدگی مجدد خود تهیه کنند. بنابراین، پر واضح است که این اقدامات، به صورت غیر مستقیم هزینه های قابل توجهی را بر بزه دیدگان وارد می آورد.

از دیگر هزینه های غیر مستقیم ناشی از جرم، می توان به تأثیرات منفی بزه دیدگی کودکان و نوجوانان اشاره نمود. کودکان بزه دیده، عموماً با مشکلات درسی و اضطراب های شدید ناشی از بزه دیدگی دست و پنجه نرم می کنند و جبران این پیامدها، هزینه های بسیاری را برای او و خانواده اش به دنبال خواهد داشت.

۲-۲-۱-۱-۲-۳- هزینه های معنوی (ناملموس - غیرعینی) وارد بر بزه دیده

درد، رنج، کاهش کیفیت زندگی، از بین رفتن دوستی و محبت میان بزه دیده و سایر اعضای خانواده و جایگزین شدن اضطراب و ترس، از جمله هزینه های معنوی هستند که از بزه دیدگی ناشی می شوند. افزون بر این، در جرایمی که در نتیجه ی آن، بزه دیده جان خود را از دست می دهد، خسارت غیر قابل جبران از دست رفتن قربانی ابتدائاً بر خود او و سپس بر خانواده اش، تحمیل می گردد. (بابایی، ۱۳۹۱، ۱۲۴)

هزینه ی کیفیت از دست رفته و درد و رنج ناشی از جرم، با توجه به نوع جرایم، متفاوت است. برای مثال، در جرمی مانند سرقت ساده، به دلیل ارتباط مستقیم آن با اموال، خود بزه دیده کمتر آسیب روحی دیده و هزینه ی کیفیت از دست رفته، نمود چندانی در

1. Burt
2. Katz
3. Dugan



این جرم ندارد. اما در مقابل، جرم سرقت مقرون به آزار و تهدید، به دلیل آن که خود بزه دیده را نیز هدف قرار می دهد، هزینه ی بیش تری را به جهت کیفیت از دست رفته ی زندگی بر بزه دیده وارد می آورد. (بابایی، ۱۳۸۶، ۹۱)

ماده ی ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در نهایت، با پذیرش صریح قابلیت جبران این نوع خسارات، زیان معنوی را در صدر تبصره ی ۱ این ماده، این گونه تعریف می کند «زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است».

۲-۲-۲- جبران خسارت از بزه دیده

مطالعه ی تاریخ تحولات کیفری، نشان می دهد که از دوران گذشته تا اواسط قرن بیستم میلادی، بزه دیده رکن مخفی جرایم بوده و در سیاست جنایی هیچ نقشی نداشته است. (ده آبادی، ۱۳۹۲، ۸۸) اما، امروزه جبران خسارت بزه دیده، یکی از نکات اصلی و بسیار مهم سیاست جنایی همه یا اغلب نظام های حقوقی است. شاید اغراق آمیز نباشد اگر گفته شود که این مسأله، کانون توجه مقامات مسئول سیاست جنایی و محور برنامه های سیاست جنایی جدید است. این امر، ناشی از آن است که این سیاست، دیگر چون گذشته تنها بزه با بزهکار را محور توجه خود قرار نداده است، بلکه جبران صدمات مادی و معنوی بزه دیده نیز، هدف است. بنابراین، امروز می توان از سیاست جنایی بزه دیده محور صحبت کرد؛ به خصوص این که حمایت از بزه دیده، طیف متنوعی از اقدامات را در بر می گیرد.

جنبش عدالت ترمیمی، به عنوان تلاشی در جهت تفکر مجدد به نیازهای ناشی از جرم آغاز شد. طرفداران عدالت ترمیمی، توجه عمده ای را به نیازهایی که در فرآیند کیفری مرسوم، مدنظر نبوده اند، معطوف می کند. درک عدالت ترمیمی از جرم، قبل از هر چیز، این است که جرم به افراد و اجتماعات لطمه می زند. بدین ترتیب، از منظر عدالت ترمیمی، اجرای عدالت با توجه به بزه دیدگان و نیازهای آن ها آغاز می گردد. عدالت ترمیمی در جست و جوی جبران و ترمیم ضرر و زیان می باشد. این رویکرد بزه دیده محور موجب می شود که عدالت، با نیازهای بزه دیدگان حتی زمانی که بزهکار شناخته نشده یا دستگیر نشده است، پیوند یابد. تأکید عدالت ترمیمی بر ضرر و زیانی که بزه دیده متحمل شده است، به معنای عدم توجه به ضرر و زیانی که توسط بزهکار و اجتماع تحمل شده است، نمی باشد. هدف عدالت ترمیمی، ایجاد بهبودی و التیام برای کلیه اشخاصی است که از جرم متأثر شده اند. (هوارد، ۱۳۸۸، ۴۳)

به هر روی، توجه خاص عدالت ترمیمی، به نیازهای بزه دیدگان از جرم است که در نظام عدالت کیفری به اندازه ی کافی مورد توجه قرار نگرفته اند. بزه دیدگان اغلب احساس می کنند که فراموش شده اند، مورد مسامحه و غفلت واقع شده اند و یا حتی توسط دستگاه عدالت کیفری به حقوق آن ها تجاوز شده است. به همین سبب، جبران ضرر و زیان وارد شده بر او، کوششی است که به موجب آن بزه دیده در فرآیند دادرسی کیفری جدی گرفته شده و آلام او تا حدود زیادی التیام می یابد.

با توجه به اهمیت جبران خسارت بزه دیده و در راستای توصیه های سیاست جنایی بزه دیده محور و آموزه های عدالت ترمیمی، امروزه اعتقاد بر آن است که جبران خسارت یک اصل است و این ضررها و زیان های ناشی از جرم، باید توسط بزهکار جبران گردد؛ چه این وظیفه ی جبران خسارت توسط بزهکار، مسئولیت مدنی تلقی شود یا مجازات؛ چه شرط تخفیف مجازات و معافیت و یا تعلیق تعقیب یا مجازات باشد یا نباشد. به هر حال، جبران خسارت اصلی کلی است که نباید از آن تخلف شود. حتی در



مواردی که بزه دیده به نوعی در وقوع جرم علیه خود، مقصر است نیز باید خسارات وی، اگر نه کامل، لاقلاً بخشی از آن جبران گردد. این امر به خصوص در سایه ی پیدایش بزه دیده شناسی ثانویه (حمایتی) بیش تر جلوه کرده است. بزه دیده شناسی ثانویه تأکید می کند که قربانی جرم، صرف نظر از نقشش در وقوع جرم، خسارت دیده است و باید از او حمایت شود. لازم به ذکر است که مقصود از اصیل بودن جبران خسارت، دفاع از تفکرات افراطی درباره ی جایگاه جبران خسارت در نظام کیفری نیست؛ بلکه منظور این است که در بعضی شرایط که مجازات مرتکب، غیر مؤثر، بی ثمر و اسراف آمیز است، جبران خسارت از بزه دیه نتایج مطلوب تری دارد (بابایی، ۱۳۹۱، ۱۲۷).

۲-۲-۱- حق جبران شدن خسارت های بزه دیده

یکی از لوازم مهم اعتبار بخشیدن به شهروندان و به رسمیت شناختن کرامت آنان، حق جبران خسارت است. همان طور که پیش تر اشاره ای شد، از توجهات سیستم امروز عدالت کیفری در اغلب کشورها، نگاه گسترده به حقوق بزه دیدگان است و در این رویکرد، جبران خسارت از بزه دیده، به اعمال مجازات و جبران ضرر و زیان ناشی از جرم خلاصه نمی شود، بلکه فراتر از این، به ابعاد روان شناختی، روان پزشکی و لزوم بر عهده گرفتن بار آسیب های متعدد جرم و جبران آن، گسترش یافته است. (آشوری، ۱۳۹۰، ۲۴) اگر در گذشته خسارات و هزینه های معنوی ناشی از جرم، قابل جبران نبودند و تنها زیان های مادی، آن هم خساراتی که به طور مستقیم از جرم ناشی شده بودند، قابل مطالبه بود، امروزه هم خسارات معنوی و هم خسارات مادی مستقیم و غیر مستقیم، قابل مطالبه هستند. برای مثال ماده ی ۸ اعلامیه ی اصول بنیادی عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت مقرر می دارد: «بزهکاران با اشخاص ثالثی که در برابر رفتار آن ها پاسخ گویند، به مناسبت، باید به گونه ی منصفانه ای از بزه دیدگان، خانواده یا بستگان آن ها خسارت زدایی کنند. این جبران خسارت، باید باز گرداندن مال یا پرداخت پول برای آسیب یا زیان وارد شده، پرداخت هزینه هایی که به دنبال بزه دیدگی حاصل شده است، خدمات رسانی و ترمیم حقوق بزه دیده را در بر گیرد». بنابراین، این اعلامیه با خسارت دانستن هزینه هایی که به دنبال بزه دیدگی حاصل شده است و نیز تأکید بر خدمات رسانی و ترمیم حقوق بزه دیده، در مفهوم خسارت توسعه قائل شده است و خسارات معنوی را قابل جبران تلقی کرده است.

پس از مناقشات بحث بر انگیز در مورد ضرر و زیان معنوی و قابلیت جبران آن در نظام عدالت کیفری ایران، هم اکنون قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، صریحاً قابلیت مطالبه و جبران این نوع خسارات را، به جز در جرایم مستوجب تعزیر منصوص شرعی و دیه، پذیرفته است. طبق ماده ی ۱۴ این قانون، شاکی می تواند جبران تمام ضرر و زیان های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند. تبصره ی ۱ این ماده ژیان معنوی را عبارت از صدمات روحی با هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی می داند که دادگاه می تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جرایم و امثال آن حکم نماید. البته تبصره ی ۲ ماده ی اخیر، منافع ممکن الحصول را تنها به مواردی اختصاص می دهد صدق اتلاف نماید. هم چنین، مقررات مرتبط به منافع ممکن الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی، شامل جرایم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی شود.



۲-۲-۲-۲- بزه دیده، اعم از مستقیم و غیرمستقیم

هزینه های ناشی از جرم، نه تنها بر بزه دیده مستقیم جرم وارد می آید، بر اطرافیان بزه دیده نیز تحمیل می گردد؛ موضوعی که در مبحث بعدی بیش تر بدان پرداخته خواهد شد. بله، امروزه، بزه دیده دیگر منحصر به بزه دیده ی مستقیم نیست؛ در کنار بزه دیدگان مستقیم یا اولیه، صحبت از بزه دیدگان تبعی؛ نظیر خانواده بزه دیده و خانواده ی بزهکار، شهود و حاضرین در صحنه ی جرم و مقامات دستگاه عدالت کیفری و جامعه که به طور غیر مستقیم از جرم متأثر می شوند و بزه دیدگان جانشین می شود. دسته ی اخیر افرادی هستند که جانشین بزه دیده ی اصلی قرار می گیرند؛ همانند اولیای فرد کشته شده و یا افرادی که موضوع دعوا را به مالکیت خود در می آورند، مثل منتقل الیه و وارث. روشن است مقصود از آن چه که گذشت، این نیست که تمام انواع بزه دیدگان، از نظر حقوقی مستحق جبران خسارت هستند و بزهکار در قبال آن ها مسئولیت دارد، بلکه مقصود، رویکرد کلی سیاست جنایی در توسعه ی بزه دیده نسبت به گذشته می باشد. برای نمونه، ماده ی ۲ کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه دیدگان جرم های خشونت بار، مصوب ۲۴ دسامبر ۱۹۸۳ مقرر می دارد: «وقتی جبران خسارت کامل از منابع دیگر ممکن نباشد، دولت باید در پرداخت غرامت به اشخاص زیر سهیم گردد:

الف: کسانی که به دنبال یک جرم عمدی خشونت بار به آسیب بدنی شدید یا آسیب به سلامتی دچار شده اند؛

ب: بستگان کسانی که در نتیجه ی چنین جرم هایی فوت کرده اند».

در نظام حقوقی ایران نیز، علی الاصول از بزه دیده ی مستقیم است که جبران خسارت صورت می گیرد؛ اما در جرمی چون قتل، دیه به ورثه ی مقتول تعلق می گیرد.

۲-۲-۲-۳- جبران کننده ی خسارات

زمانی که جرمی رخ می دهد و کسی از رهگذر وقوع آن، آسیب و خسارت می بیند، بدیهی است که همه نگاه ها در وهله اول متوجه بزهکار است؛ کسی که با نقض قانون و مخالفت با اراده ی قانون گذار به دیگری صدمه وارد آورده است. (حاجی آبادی، ۱۳۸۵، ۱۰۰) بنابراین قاعده و اصل اولی آن است که بزهکار مسئول جبران خسارت بزه دیده است. لکن واقعیت نشان می دهد که امور متعددی باعث می شود، تمام یا بخشی از خسارت بزه دیده توسط بزهکار جبران نشده باقی بماند. از جمله ی این امور، می توان به شناخته نشدن بزهکار اشاره کرد که خود ناشی از علل مختلفی چون ضعف دستگاه های انتظامی، قصور و یا تقصیر ایشان و نیز مهارت و هوش بزهکار در امحای آثار جرم و عدم اقدام به موقع بزه دیده در شکایت کردن از بزهکار است. هم چنین گاه متهم، بزهکار شناخته شده است، اما بنا به دلایلی مثل عدم کفایت ادله ی اثبات دعوا، فرار، کشته شدن یا خود کشی بزهکار، طولانی بودن زمان رسیدگی و مهلت دار بودن پرداخت و نیز عدم کفایت درآمد بزهکار، خسارت بزه دیده جبران نمی گردد. بنابراین، امروزه جبران کننده خسارت، دیگر به بزهکار منحصر نیست و از بیمه، مؤسسات خیریه، جامعه ی مدنی و در سطح بالاتر، از دولت به عنوان متصدی جبران هزینه های بزه دیده نام برده می شود. توسعه ی جبران کننده ی خسارت از بزهکار به دولت و دیگر نهادها، ناشی از این حقیقت است که انحصار جبران کننده به بزهکار، در عمل باعث جبران نشدن یا به طور ناقص جبران شدن خسارت های بسیاری از بزه دیدگان شده و می شود. به همین منظور، ماده ی ۱۲ اعلامیه ی اصول



بنیادی عدالت مقرر می‌دارد: «وقتی دریافت کامل غرامت از بزه کار با دیگر منابع، امکان پذیر نیست، دولت‌ها باید در فراهم کردن غرامت مالی برای اشخاص زیر بکوشند...» (ده آبادی، ۱۳۹۰، ۱۱۰)

هم چنین، وجود صندوق خسارت تأمین خسارت‌های بدنی برای جبران تفاوت دیه و یا تحمیل دیه در برخی موارد استثنایی بر بیت‌المال در نظام حقوق کیفری ایران، شاهدی بر جبران کنندگان خسارت بزه دیده، غیر از بزه‌کار، می‌باشد. البته، گسترش این گونه‌ی جبران کنندگان خسارت از بزه دیده، موجب تحمیل هزینه‌های بزه‌کاری بر جامعه و اشخاص ثالث می‌گردد.

۲-۲-۳- روش‌های برآورد هزینه‌های وارد بر بزه دیده

قرار دادن ارزش پولی بر بزه دیدگی، بحثی چالش برانگیز است، اما به هر روی، مطالعاتی در این زمینه صورت گرفته است که آسیب‌های مادی و معنوی وارد بر بزه دیدگان را برآورد مالی کرده است. «مک کالیستر»^۱ و همکارانش در پژوهشی که در سال ۲۰۱۰ میلادی انجام دادند، هزینه‌های وارد بر بزه دیده را از طریق دو رویکرد «هزینه‌های مربوط به بیماری و کسالت»^۲ و «غرامت قابل پرداخت تعیین شده توسط هیأت منصفه»^۳، محاسبه کردند. معیار هزینه‌های مربوط به کسالت، هزینه‌های مادی و ملموس را، مثل هزینه‌های درمان که با استفاده از اطلاعات موجود در بیمارستان به دست می‌آید و هزینه‌ی مربوط به درآمد از دست رفته‌ی بزه دیده، مشخص می‌کند. معیار غرامت تعیین شده توسط هیأت منصفه، هزینه‌های ناملموس و معنوی وارد بر بزه دیده را مقرر می‌کند.

۳- هزینه‌های جامعه و اشخاص ثالث (غیر از بزه دیده)

در حالی که بیش‌ترین اثر جرم، بر بزه دیده تحمیل می‌شود، پیامدهای مهم دیگری که از جرم ناشی می‌شود نیز غیر قابل انکار است. ممکن است اعضای خانواده‌ی بزه دیده برای همراهی او در نهادهای تعقیب، دادرسی، مراکز درمانی و هم چنین مراقبت از او، از فعالیت‌های شغلی خود بکاهند و بدین سبب، سطح درآمد و سودآوری خانواده کاهش یابد. افزون بر این، در نتیجه‌ی جرایم خشونت‌بار، به ویژه مواردی که منجر به کشته شدن و فوت بزه دیده می‌گردد، اعضای خانواده‌ی او به علت مجروحیت شدید و یا از دست دادن بزه دیده، دچار آسیب روحی شدیدی می‌شوند که گاه، نیاز به مشاوره و مراقبت‌های روان‌پزشکی را ضروری می‌نماید. کودکانی که شاهد خشونت‌های خانگی بوده‌اند، از آثار منفی روانی طولانی مدتی رنج خواهند برد که تنها از طریق روان‌درمانی‌ها و مراقبت‌های پُر هزینه بهبود خواهد یافت. هم چنین دیگر اشخاص، مانند کارفرمایی که نیاز به استخدام کارگر جایگزین بزه دیده دارد و با به سبب اضافه کاری سایر کارگرا به جای کارگر بزه دیده، پول بیش‌تری می‌پردازد، متحمل هزینه‌های قابل توجهی می‌شوند. جامعه به عنوان یک کل نیز، چه در نقش اشخاص بیمه‌گذار و چه با عنوان پرداخت کنندگان مالیات، بسیاری از هزینه‌های ناشی از جرم را به شکل پرداخت حق بیمه بیش‌تر با مالیات‌های بیش‌تر، متحمل می‌گردد. افراد برای پیشگیری از جرم و برنامه‌های دستگاه عدالت کیفری، مالیات می‌پردازند. بزه دیدگان بالقوه، که شامل تمامی اعضای جامعه می‌باشند، برای تأمین امنیت بیش‌تر از پیش خود، تجهیزاتی را تهیه می‌کنند و یا در فعالیت‌ها و رفتارهای خود تغییراتی را

¹. Kathryn E. McCollister

². Cost of Illness

³. Jury Awards / Jury Compensation



ایجاد می کنند و از این طریق متحمل هزینه هایی می شوند. به عنوان نمونه، با توجه به اعلام کمیته ی مستقل مبارزه با مواد مخدر دبیر خانه ی مجمع تشخیص مصلحت نظام در شهریور ماه سال ۱۳۹۵، مواد مخدر در هر بیست و چهار ساعت، ۱۱۰ میلیارد تومان خسارت به کشور وارد می آورد.

۳-۱- هزینه های مستقیم وارد بر غیر بزه دیدگان

هزینه هایی که به طور مستقیم به افرادی غیر از بزه دیده وارد می آید، در این گفتار مورد مطالعه قرار می گیرد. بنابراین، آثار بزه دیدگی بر اعضای خانواده ی بزه دیده، افرادی که شاهد ارتکاب جرم بوده اند، شرکت های بیمه و بیمه گذارانی که بسیاری از هزینه های مربوط به بزه دیدگی را می پردازند و پرداخت کنندگان مالیات که در جبران هزینه های ناشی از جرم سهیم هستند، بررسی می شود.

۳-۱-۱- هزینه های مستقیم جرم بر اعضای خانواده ی قربانی و سایر افراد

افراد خانواده، با توجه به نوع جرم، به اشکال مختلفی از بزه دیدگی یکی از اعضای خود متأثر می شوند. اول آن که، آن ها به ناچار فعالیت ها و وظایف روزمره ی مرتبط به امور خانه ی فرد بزه دیده را به عهده خواهند گرفت و بزه دیده را در رفع آثار بزه دیدگی اش یاری خواهند کرد؛ به همین سبب، باید وقت خود را، که می توانستند به فعالیت های دیگر، اختصاص دهند، صرف بزه دیده کنند و عموماً میزان زمانی که آن ها بزه دیده را یاری و کمک می کنند، مشخص نیست. هم چنین، ممکن است اعضای خانواده ی بزه دیده بنا به دلایل موجهی، بزه دیده را در طول فرآیند تعقیب و دادرسی و یا درمان او، همراهی کنند، این مدت زمان، نه تنها موجب می شود که اوقاتی که می توانست به فعالیت های خوشایند اختصاص داده شود، کاهش یابد، بلکه ممکن است موجب کاهش درآمد کل خانواده و در نتیجه کاهش سود آوری آن ها، شود؛ زیرا که اعضاء از زمان کاری خود کاسته اند و به یاری بزه دیده شتافته اند. دوم، آسیبی است که در نتیجه ی بزه دیدگی یکی از اعضاء به مصاحبت، محبت، مشارکت و معاشرت میان افراد خانواده وارد می آید. این آسیب، در جرایم منجر به ضرب و جرح شدید، تجاوز جنسی، جرایم شدید علیه کودکان و به طور خاص، قتل، نمود بیشتری دارد؛ خانواده ای که به علت کشته شدن یکی از اعضای خود، رنج شدیدی را به علت فقدان او تحمل خواهد کرد. برای مثال، کودکی که یکی از والدین خود را در نتیجه ی جرمی شدید، از دست داده است، ممکن است با آسیب های روحی، روانی و تحصیلی جدی مواجه شود. بدیهی است به وجود آمدن این آسیب های خود در زمره ی هزینه های جرم هستند و هم چنین، اقدام برای رفع و زدودن این آثار نیز از جمله هزینه های جرم می باشند. افزون بر موارد فوق، نباید از آثار روحی و روانی که در یکی از افراد خانواده یا حتی شخصی دیگر که شاهد وقوع جرم بر قربانی بوده است، غافل شد. افرادی که شاهد خشونت بوده اند، ممکن است دچار آسیب های روحی شدیدی در آینده گردند. علاوه بر این ها، آسیب به آرامش و شادی، از دست دادن مراقبت و راهنمایی، آسیب به روابط زناشویی، استرس و اضطراب های شدید، خشونت، تنهایی و ... نیز از دیگر آسیب ها و هزینه هایی هستند که در نتیجه ی جرم بر اطرافیان بزه دیده و یا شاهدان جرم ممکن است وارد آید (اشنایدر، ۱۳۸۲، ۱۵۴).



۳-۱-۲- هزینه های مربوط به بیمه و دولت

شاید اولین توسعه در مسئولین پرداخت خسارت، با تأسیس و گسترش صنعت بیمه بود. بیمه، زاده ی مقتضیات و نیازهای زندگی شهر نشینی نوین بشری است. در این نهاد، جمعی از اشخاص که خود را در معرض وقوع حوادث و خسارات می بینند، برای رهایی از آثار این رویدادهای نامطلوب، صندوقی مالی ایجاد نموده و هر یک از اعضاء مبلغی را پرداخت می نمایند تا در صورت وقوع حادثه و تحمل خسارت توسط هر یک از اعضای آن جمع، از محل نقود جمع شده در صندوق، از عضو زیان دیده رفع خسارت شود. بدین نحو، اعضای صندوق بیمه، با پرداخت مبلغی مشخص و از پیش تعیین شده که جزء مخارج محاسبه شده ی زندگی است، از تحمل خسارت های شدید رهایی می یابند. (ده آبادی، ۱۳۹۱، ۱۰۲)

اما بیمه نمی تواند در همه ی خسارات، به ویژه خسارات ناشی از جرایم، کارساز باشد. بدیهی است، بزهکار بالقوه، تنها می تواند مسئولیت ناشی از اعمال غیر عمدی خویش را بیمه نماید و هیچ بیمه گری به خاطر روشن نبودن نوع جرم ارتكابی و ریسک بالای پذیرش بیمه، حاضر نیست مسئولیت ناشی از اعمال عمدی دیگران را بیمه کند؛ این در حالی است که اکثر جرایم، عمدی بوده و جرایم خطایی، درصد کم تری را تشکیل می دهند. از سوی دیگر، برخی بزه دیدگان بالقوه نیز تنها نسبت به برخی از جرایم، هم چون جرایم راهنمایی و رانندگی و سرقت، حاضر به بیمه کردن خود و اموال خود هستند و به علت قطعی نبودن وقوع جرم و احتمال کم تر قربانی شدن در سایر جرایم، حاضر به پرداخت مبلغی به عنوان حق بیمه نیستند. همه ی این امور باعث شده تا اندیشه ی گذر از بیمه فراهم شود و در این میان، نگاه ها به سوی دولت متمرکز شود. بنابراین، امروزه با توجه به امکانات مالی فراوان و قدرت دولت، جبران دولتی خسارت بزه دیده، به یکی از ابزارهای مهم سیاست جنایی برخی از کشورها تبدیل شده است (ده آبادی، ۱۳۹۰، ۱۶۶).

به هر روی، فارغ از مزایا و مبنای جبران خسارات بزه دیده توسط دولت، بدیهی است، هزینه هایی که شرکت های بیمه با نهاد های دولتی به منظور مرتفع کردن آثار بزه دیدگی قربانی جرم (مثل هزینه های درمانی بزه دیده)، پرداخت می کنند از جمله هزینه های وارد بر افراد غیر بزه دیده و جامعه است.

۳-۲- هزینه های دستگاه عدالت کیفری

نظام عدالت کیفری، با توجه به بودجه ی تخصیص یافته، همه ساله هزینه هایی را در دو بخش پیشگیری از جرائم و مبارزه و واکنش به بزهکاری، صرف می کند. برخی از این هزینه ها در بخش پیشگیری، مربوط به کاهش موقعیت های مجرمانه بوده و برخی دیگر، برای بالابردن سطح آگاهی افراد جامعه است. افزون بر این، نظام عدالت کیفری، در بسیاری از کشور ها برای مبارزه با پدیده ی بزهکاری، همه ساله برنامه های خاصی را اجرا می کند. این برنامه ها، با توجه به نوع و ماهیت خود، هزینه هایی را به جامعه تحمیل می کند. برخی دولت ها، برنامه های اصلاح و بازپروری را سرلوحه ی سیاست جنایی خود قرار داده اند؛ که مستلزم هزینه های هنگفت زندان و برنامه های بازپرورانه است، اما نتیجه ی مطلوب تری دارد. برخی دیگر، سیاست ارعابی-سزا دهی را انتخاب می کنند که البته، کم هزینه تر بوده و اجرای آن نیز آسان تر است. افراد جامعه که منبع اصلی تأمین کننده ی این هزینه ها هستند، باید نسبت به میزان سود و زیان ناشی از اجرای این برنامه ها، آگاهی یابند. شهروندان باید بدانند که جامعه، چرا بخش قابل توجهی از درآمدها را به پلیس یا دادسرا اختصاص می دهد. پاسخ این پرسش ها که هزینه و منافع استخدام پلیس بیش تر است یا نصب دوربین، هزینه ی برنامه های اصلاح و درمان بیش تر است یا هزینه های برنامه های



ارباب و سزادهی، از سوی دولت ها باید ارائه شود و دولت ها باید اطلاعات لازم را در این خصوص، در اختیار شهروندان قرار دهند تا افراد جامعه با آگاهی، با مجریان قانون مشارکت کنند. هزینه های بخش های مختلف دستگاه عدالت کیفری متفاوت است. نهادهای مختلف دستگاه های عدالت کیفری می توانند از طریق عملکرد مناسب، هزینه ی بخش های دیگر را کاهش داده یا برعکس، به دلیل عملکرد نامطلوب، هزینه های مضاعف به بخش های دیگر تحمیل کند. برای مثال، دادسرا می تواند در پرونده ای، به دلیل جرم نبودن عمل، قرار منع تعقیب صادر کرده و پرونده را بایگانی کند با این که اشتبهاً قرار مجرمیت صادر کرده و هزینه های اضافی دادگاه و مراجع دیگر را نیز به نظام عدالت کیفری تحمیل کند.

برای مثال، گزارش پیمایش جرم در انگلستان، بیان می کند که در سال ۲۰۰۸ میلادی در این کشور حدود ۱۰ میلیون و ۷۰۰ هزار جرم اتفاق افتاده است. وزارت کشور انگلستان، هزینه ی دستگاه عدالت کیفری را در این سال حدود ۱۲/۶ میلیارد پوند تخمین زده است.

۴- هزینه های مرتکب جرم

مرتکب جرم، به منظور ارتکاب جرم هزینه هایی می پردازد. هزینه های بزهکار را می توان در دو قسمت هزینه های قبل از ارتکاب جرم و هزینه های پس از ارتکاب، بررسی نمود.

۴-۱- هزینه های بزهکار قبل از ارتکاب جرم

هزینه های قبل از ارتکاب جرم، به آن دسته از هزینه هایی اطلاق می شود که بزهکار از زمان انتخاب رفتار مجرمانه تا پایان آن متحمل می شود که مشتمل است بر هزینه های مربوط به تصمیم گیری و برنامه ریزی به منظور ارتکاب جرم، هزینه ی تهیه ی وسایل برای ارتکاب بزه، شروع به جرم و در نهایت انجام آن، اقتصاددانان مهم ترین هزینه ی بزهکار را هزینه ی فرصت از دست رفته می دانند؛ زیرا که انتخاب رفتار جایگزین، به جای ارتکاب رفتار مجرمانه، می توانست وضعیت مرتکب را بهتر کند و هزینه های کم تری برای جامعه به بار آورد (بابایی، ۱۳۹۱، ۸۴).

۴-۲- هزینه های بزهکار بعد از ارتکاب جرم

هزینه های بعد از ارتکاب جرم، آن دسته از هزینه هایی است که مجرم به دلیل مجازات و یا محدودیت، قادر به کسب منافع یک زندگی عادی با شغل مناسب نیست. بزهکاری که حبس می شود، فرصت تولید و کارایی را از دست می دهد و از دست رفتن این فرصت، هم برای بزهکار و هم برای جامعه، هزینه زا است. این هزینه ها زمانی که شخص در بازداشت موقت به سر می برد یا مدت محکومیتش کم تر از یک سال است، بسیار بالا می باشد. بر اساس بررسی که طی سال ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۶ در ایالات متحده ی آمریکا از زندانیان، اعم از محکومان به حبس کم تر از یک سال و متهمانی که در بازداشت به سر می بردند و ممکن بود بعداً برائت حاصل کنند با محکوم به حبس بیش از یک سال شوند، به عمل آمد، نشان داد که ۶۴ درصد از آن زندانیان، شاغل بوده که در این میان، ۴۹ درصد از آن ها، شغل ثابت و تمام وقت داشته و ۱۵ درصد از آن ها، شغل پاره وقت داشتند؛ اما پس از تحمل کیفر یا اتمام دوران بازداشت، بسیاری از آنان از اشتغال باز مانده و از دریافت حقوق محروم شده اند (هیرش، ۱۳۸۲، ۱۲۴).



از دیگر هزینه های بزهکاران پس از ارتکاب جرم، افزایش نرخ صدمات و مرگ زندانیان در حین تحمل مجازات حبس می باشد. برای نمونه، در سال ۲۰۰۰ میلادی، آمار زندانیان کشور آمریکا بالغ بر ۲/۱ میلیون نفر بود؛ آمار خودکشی زندانیان در این سال، ۱۹۸ نفر بود. به عبارت دیگر، ۱۶/۵ درصد از ۱۰۰۰۰۰ نفر خود کشی کرده بودند. این در حالی است که آمار خودکشی در خارج از زندان، ۴/۱۰ درصد از ۱۰۰۰۰۰ نفر گزارش شده بود. هم چنین، ارتکاب ۵۶ فقر قتل نیز توسط زندانیان دیگر صورت گرفته بود که نرخ ۴/۷ درصد از ۱۰۰۰۰۰ نفر را نشان می دهد. این گزارش بیانگر میزان تلفات گروه های سنی بین ۱۸ تا ۴۴ سال است که می توانست بهره وری بالایی در جامعه داشته باشد.

افزون بر این، زندانی شدن بزهکار، در برخی مواقع موجب فروپاشی خانواده و تحمیل هزینه های سنگین بر خانواده ی مرتکب و جامعه است. در بسیاری از خانواده ها، مجرم نقش تأمین کننده ی مخارج خانواده را بر عهده دارد و زندانی شدن فرد باعث می شود که خانواده به دلیل عدم حضور او با مشکلات مالی شدیدی رو به رو شده و با اعضای دیگر خانواده برای تهیه ی مخارج خانواده جایگزین او گردند که این امر هزینه هایی را برای این شخص جایگزین به همراه خواهد داشت. هم چنین، ممکن است به دلیل زندانی شدن بزهکار، خانواده ی وی از هم فرو پاشیده و کیفیت زندگی سابق او نیز از دست رود (بابایی، ۱۳۹۱، ۹).

از دیگر هزینه های اجرای مجازات، هزینه های سلامت روانی بزهکار است. مسلماً زدودن آثار این پیامدهای نامطلوب، مستلزم صرف هزینه های سنگین است. در برخی موارد، اجرای مجازات با توجه به وضعیت روانی بزهکار، ناچیز بودن مجازات و یا دلایل دیگر به صلاح نیست و اجرای حبس در این موارد، پیامدهای ناخوشایندی در پی خواهد داشت. برای مثال، می توان به فصل نهم از بخش دوم قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ اشاره نمود. به نظر می رسد که بتوان گفت، این فصل که با عنوان «مجازات های جایگزین حبس» در قانون مجازات اسلامی آمده است، نه تنها در صدد کاهش جمعیت کیفری و در نتیجه کاهش هزینه های دستگاه عدالت کیفری می باشد، بلکه در راستای اصل فردی کردن مجازات ها، با هدف اصلاح و توانمند سازی بزهکار برای بازگشت به جامعه و زدودن آثار منفی ماندن در زندان، کاهش هزینه های بزهکار پس از ارتکاب جرم را نیز مدنظر داشته است. مجازات های جایگزین حبس، مشتمل است بر دوره ی مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی.

۵- نتیجه گیری

هزینه های جرم عبارت است از همه چیزهایی که برای تحقق جرم باید از آنها گذشت. تقسیمهای گوناگونی برای هزینه بیان شده است که درباره جرم نیز صدق میکند؛ زیرا جرم نوعی کالا و فرآورده اجتماعی به حساب میآید. در یک تقسیم بندی، هزینه های جرم به هزینه های فردی و اجتماعی، هزینه های مالی و اقتصادی، هزینه های مستقیم و غیرمستقیم، هزینه های ملی و بین المللی و هزینه های مادی و غیرمادی تقسیم شده است.

درباره هزینه های جرم در ایران، نکته قابل توجه اینکه حتی هزینه های مستقیم جرایم نیز به طور شفاف محاسبه نمی شود؛ زیرا آمارهای موجود فقط تعداد و موارد جرایم کشف شده و محکومیت یافته را نشان میدهد، نه بزهکاری واقعی را.

از منظر اقتصاد دانان، جرم یک فعالیت مهم اقتصادی و بلکه فراتر از آن، یک صنعت است که پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن باید مورد مطالعه قرار گیرد. اقتصاد جرم تلاش می کند تا نتایج ناگواری را که بزه و بزهکاری به افراد و جامعه تحمیل می نماید،



مورد بررسی قرار دهد. بسیاری از پیامدهای بزهکاری، سنجش ناپذیر بوده و یا برآورد مالی آن ها بسیار دشوار می باشد؛ اما اگر ارزیابی هزینه های جرم به درستی صورت پذیرد، تعیین یک سیاست اجتماعی هماهنگ تر در ارتباط با این موضوع، امکان پذیر می گردد.

منظور از راهکارهای کاهش هزینه های بزهکاری قبل از ارتکاب جرم، روش هایی است که نظام جنایی کشور ها، گاه از طریق قانون گذاری و با اتخاذ سیاست های خاص در مواردی به کار می بندد تا از نرخ بزهکاری و یا تورم کیفری کاسته و بدین ترتیب، هزینه های جرایم را کاهش دهد. مطالعات متعددی نشان داده است که کارکردها و اهداف مورد نظر بنیاد های حقوق جزا، مثل کیفر و نظام قضایی و پلیس، مثل عبرت آموزی، ارعاب انگیزی، ندامت زایی و خنثی کنندگی مجازات، تحقق پیدا نکرده و نهاد سرکوب گر، علی رغم شدت و قطعیت مجازات ها، نتوانسته است موجبات کاهش بزهکاری و کاهش هزینه های جامعه و عدالت کیفری را فراهم آورد. افزون بر این، کیفر زندان به شکلی که اکنون در جهان معمول است، خود امری جرم زا است. تورم جمعیت کیفری موجب عقیم ماندن اهداف اصلاح و بازپروری بزهکاران شده و هم چنین، هزینه های هنگفت زندان و کمبود بودجه و امکانات لازم، باعث انباشته شدن انبوهی از مجرمین در یک زندان و آموزش خرده فرهنگ های مجرمانه در آن محیط می گردد که نه تنها بزهکار را دوباره اجتماعی نمی کند، بلکه احتمال تکرار جرم و تحمیل هزینه های سنگین ناشی از آن را افزایش می دهد و به همین سبب، لزوم زندان زدایی از برخی جرایم مشخص می شود. البته بی فایده دانستن کل واکنش های کیفری نظام عدالت کیفری، امری اغراق آمیز است؛ چرا که در هر حال وجود عدالت کیفری و مجازات، در جای مناسب خود، لازم و ضروری می باشد. از جمله راهکارهای کاهش هزینه های بزهکاری قبل از وقوع جرم، می توان به اتخاذ برنامه های پیشگیری از بزهکاری و جرم زدایی، کیفر زدایی و قضا زدایی در موارد ممکن اشاره نمود.

روش ها و راهکارهای بسیاری نیز موجب کاهش هزینه های بزهکاری پس از ارتکاب جرم و در مرحله ی پاسخ دهی و واکنش به بزه می باشند. رشد روز افزون بزهکاری، سیاست گذاران جنایی را با وجود سلاح کیفر، بر آن داشته است تا در شیوه های پاسخ دهی به این پدیده، تغییرهایی را ایجاد نمایند. استفاده از ضمانت اجراهای مدنی، اداری و انضباطی، نمونه بارز ایجاد تغییر در سامانه پاسخ ها است که، بسیاری از قانون گذاران به آن روی آورده اند و به همین سبب، فرآیند پاسخ دهی و واکنش به بزهکاری پس از ارتکاب جرم را متحول ساخته است. امروزه، برای پاسخ دهی به شماری از گونه های بزهکاری و برخی از بزهکاران، می توان از روش های نو پدید، حتی با ماهیت غیر قهر آمیز بهره جست. کوچک سازی قلمرو عدالت کیفری از رهگذر ساز و کارهایی مانند ترمیمی کردن عدالت کیفری و توافقی ساختن آیین دادرسی کیفری، از جمله راهکارهای نو یافته ای هستند که تصمیم گیران سیاست جنایی برای اثر بخش تر کردن اقدامات نظام عدالت کیفری به آن روی آورده اند. پر واضح است که به کار بستن این رویکرد در نحوه ی واکنش به شماری از جرایم و پاسخ دهی به مرتکبان آن ها، موجب کاهش هزینه های ناشی از جرم، چه هزینه های نظام عدالت کیفری و چه هزینه های بزه دیده و بزهکار، خواهد شد.

اتخاذ روش های توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، به دلایل متعدد حقوقی، جرم شناسانه و مدیریتی قابل توجیه است. یکی از دلایل مدیریت مدار روی آوردن به راهبرد توافقی ساختن پاسخ دهی، کاهش هزینه ها می باشد. رسیدگی به دعوی کیفری در بستر عدالت کیفری سنتی، بسیار پر هزینه است؛ زیرا رسیدگی در مراحل مختلف فرآیند کیفری، رعایت تشریفات در دادرسی کیفری سنتی و استفاده از پاسخ های سنتی نسبت به بزهکاری، هزینه های زیادی را در پی دارد. این در حالی است که عدالت توافقی، از طریق تشریفات زدایی، شیوه های سریع پاسخ دهی به بزهکاری، بهره جستن از ظرفیت های جامعه‌ی، تا اندازه زیادی در کاهش هزینه های نظام عدالت کیفری تأثیر دارد. از جمله راهبردهای توافقی شدن آیین دادرسی کیفری می توان به موارد رو



به رو اشاره داشت؛ تعویق دعوای کیفری، تعلیق تعقیب دعوای کیفری، ترک تعقیب دعوای کیفری، نظارت قضایی، قبول مجرمیت، معامله اتهام، بایگانی کردن پرونده، معافیت از کیفر، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه آزادی، نظام آزادی مشروط و استفاده از مجازات های جایگزین حبس مثال خدمات عمومی رایگان. با توجه به محدود بودن دایره ی شمول راهبردهای توافقی شدن واکنش به جرم در نظام حقوقی ایران، گسترش قلمرو و افزودن موارد دیگری از چنین روش هایی در موارد مناسب و در نتیجه امکان برخورداری مرتکبان بیش تری از این شیوه ها، پیشنهاد می گردد.

از دیگر راهکارهای کاهش هزینه های بزهکاری پس از وقوع جرم، استفاده از آموزه ها و روش های پیشنهادی عدالت ترمیمی در پاسخ دهی به بزه می باشد. علی رغم اختصاص بخش قابل توجهی از بودجه ی کشور به نظام عدالت کیفری، این سیستم فاقد بازدهی مناسب در مقایسه با این میزان سرمایه گذاری می باشد. عدالت ترمیمی، ساختاری فلسفی است که نوع دیگری از اندیشه و تفکر نسبت به جرم و عدالت کیفری را عرضه می کند. طرفداران عدالت ترمیمی معتقدند که الگوی سزادهی عدالت کیفری در مبارزه با بزه شکست خورده و برای مقابله با بزه و هم چنین پیشگیری از وقوع آن در آینده توسل به راهبرد عدالت ترمیمی، بسیار مطلوب تر خواهد بود. به زعم منتقدان عدالت کیفری سنتی و طرفداران رویکرد ترمیمی، عدالت کیفری با ایرادهای کارکردی، اقتصادی، سیاسی و علمی رو به رو شده است. درست است که عدالت کیفری کلاسیک از حالت اولیه و ابتدایی خود خارج شده و پیشرفت های قابل توجهی را به سبب پیشرفت دانش جرم شناسی در طول تاریخ به خود دیده است و در جهت ایجاد بازدارندگی عمومی و تحقق اصلاح بزهکاران به تدریج متحول شده است، اما در عمل در رابطه با مسأله تراکم کار دادگاه ها و تورم جمعیت کیفری موفق نبوده است. یکی از انتقادهایی که نسبت به طرز کار نظام عدالت کیفری می توان مطرح کرد، نقد اقتصادی است. عدالت کیفری از نظر اقتصادی بسیار پر هزینه است و بخش قابل توجهی از بودجه عمومی کشورها به نظام عدالت کیفری اختصاص دارد. یکی از آثار عملی مثبت اجرای رویکرد عدالت ترمیمی، کاهش هزینه های عدالت کیفری و در نتیجه کاهش هزینه های جرم می باشد. در سیستم عدالت ترمیمی، با توجه به ارجاع کم تر دعوی به سیستم دادرسی رسمی و دولتی، هزینه های انسانی و مادی کم تری برای حل و فصل اختلافات صرف می گردد بنابراین، روش هایی که عدالت ترمیمی برای واکنش به بزه پیشنهاد می کند، مانند میانجی گری، برگزاری نشست برای تعیین سرنوشت دعوای کیفری، برگزاری حلقه ها یا محافل و تأسیس هیأت های ترمیمی جامعه محلی، موجبات کاهش هزینه های ناشی از بزهکاری را فراهم می آورد.



منابع

کتاب

۱. ابراهیمی، شهرام، جرم شناسی پیشگیری، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان، تابستان ۱۳۹۳
۲. جوان جعفری، عبدالرضا، سید زاده ی ثانی، سید مهدی، رهنمود های عملی پیشگیری از جرم، چاپ اول، تهران، معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، تابستان ۱۳۹۱
۳. حاجی ده آبادی، احمد، جبران خسارت بزه دیده به هزینه ی دولت و نهادهای عمومی، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سال ۱۳۸۸
۴. زبانسکی، جسک، برآورد هزینه های جرم (تاریخچه، روش شناسی و کاربرد)، ترجمه امیر حسین منتظر حجت و مسعود خدایانه، چاپ اول، اهواز، انتشارات ترآوا، ۱۳۹۲
۵. زهر، هوارد، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، ترجمه حسین غلامی، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد، سال ۱۳۸۸.
۶. شمعی، محمد، درآمدی بر جرم انگاری و جرم زدایی، چاپ اول، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲
۷. ماتیسوس، راجر، فرانسیس، پیتر، زندان ها در هزاره ی سوم، ترجمه لیلا اکبری، انتشارات راه تربیت، ۱۳۸۱.

مقاله

۱. ابراهیمی، شهرام، «بازدارندگی از منظر حقوقی و جرم شناختی»، نشریه کار آگاه، شماره ۵، دوره ۲، سال دوم، زمستان ۱۳۸۷
۲. آشوری، محمد، خدادی، ابوالقاسم، «حقوق بنیادین بزه دیده در فرآیند دادرسی کیفری»، نشریه آموزه های حقوق کیفری، شماره ۲، دوره جدید، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
۳. اشنایدر، ریچارد، کیچن، تد، «جرم، هزینه ها و کیفیت زندگی»، ترجمه نفیسه معینی، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۱۹، مهر ۱۳۸۲.
۴. بابایی، ایرج، «مبانی نظری رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق»، دو فصلنامه حقوق و سیاست، شماره ۲۳، دوره ۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.
۵. بابایی، محمد علی، انصاری، اسماعیل، «تحلیل اقتصادی پیشگیری از جرم»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، شماره اول، دوره ششم.
۶. بابایی، محمد علی، انصاری، دکتر اسماعیل، «تحلیل هزینه های جرم»، مجله علمی- پژوهشی نامه مفید، شماره ی ۹۴، زمستان ۱۳۹۱.
۷. حاجی ده آبادی، محمد علی، حائری، سید احسان، «بررسی هزینه های جرم با نگرش اسلامی، مجله حقوق اسلامی، شماره ۲۴، سال هفتم، بهار ۱۳۸۹.
۸. رایجیان اصلی، مهرداد، «تبیین استراتژی عقب نشینی یا تحدید دامنه مداخله حقوق جزا و جایگاه آن در ایران»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۱، زمستان ۱۳۸۱.

۹. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی»، فصلنامه الهیات و حقوق، شماره ۹ و ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، صص ۱۳ الی ۱۵.
۱۰. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، «پیشگیری عادلانه از جرم»، علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۱۱. هیرش، ورنر ز، «تحلیلی از حقوق جزا با رویکرد اقتصادی»، ترجمه محمد زمان رستمی، فصلنامه علمی - پژوهشی روش شناسی علوم انسانی، شماره ۳۶، پاییز ۱۳۸۲.